

اشاره

استعداد به کمال رسیدن در وجود انسان نهاده شده و برای رسیدن به این مقصود لازم است تا غرائز تعدیل و قوای ادراکی تعالی پیدا کند و در این مسیر عرفان قرآنی برای اموری از جمله «عبودیت» و «بندگی» اصالت قائل است. در اینجا نظر شما را به تبیین این موضوع جلب می کنیم:

انسان و شدن

از دیدگاه قرآن، انسان ظرفیت های والایی برای انقلاب وجودی و تحوّل نهادی و جوهری دارد و می تواند از فرشته ها نیز گوی سبقت را برباید و به مرتبه ای فراتر از مَلَك راه یابد و همراه با انسان کامل معصوم علیه السلام که پیر طریقت و خضر راه است، عوالم هستی را در قوس صعود، یکی پس از دیگری پشت سر بگذارد و این ممکن نیست، مگر براساس:

1. معرفة الله،

2. معرفت به جایگاه و منزلت خویشتن یعنی خلیفه الله شدن

3. طهارت برون و درون یا ظاهر و باطن،

4. محبّت الهی و حبّ به انسان های کامل الهی،

5. عبودیت و بندگی همه جانبه در برابر پروردگار عالم.

انسان که هنگام «ولادت طبیعی» و «تولّد تکوینی» خود، حیوان بالفعل و انسان بالقوه است و از حیث هویت فطری و روح حاکم بر هستی اش «حی متّله» به شمار می رود، می تواند «تولّد تشریعی» نیز بیابد و به سوی ملکوت عالم سیر کند و به عکس حرکت اول که سیر نزولی از عالم ملکوت به ملک و از نشئه عقل به نشئه ماده بود، سیر صعودی را از ملک به ملکوت و از ماده به عقل آغاز کند. که وجود انسان های هادی و کامل و کتاب هدایت جامع الهی برای تکامل وجودی انسان در ساحت علم و عمل است.

استعداد به کمال رسیدن و شدن، در متن وجود آدمیان به ودیعه نهاده شده تا قوای تحریکی را تعدیل و قوای ادراکی را تعالی بخشد و با رهزنان راه تکامل مبارزه کند و همراه متذکر باشد و از هر غفلت و نسیان و سهوی درباره حقیقت وجودی خویشتن و محبوب فطری اش رهایی یابد و به آزادی و آزادگی برسد و از همه تعلّقات و تعینات بگذرد تا به «موت اکبر» و فنای فی الله و فنای از این فنا راه یابد که در قرآن کریم از این شدنی های مستمّر و طی مقامات. به «صیروت» تعبیر شده است؛ صیروت یعنی تحول جوهری و گردیدن های درونی و وجودی که از منزلتی به منزلت دیگر و از مرحله ای به مرحله دیگر درآمده و ناظر به «اطوار» وجودی انسان است.

انواع صیروت

صیروت دو نوع است:

الف) صیروت تکوینی و همگانی: «وَالِیَ اللّٰهِ الْمَصِیْرُ» 1.

ب) صیروت تکاملی و خصوصی: «رَبَّنَا وَآلِیَکَ الْمَصِیْرُ» 2، «رَبَّنَا عَلَیْکَ تَوَكَّلْنَا وَآلِیْکَ اُنْتَبَا وَآلِیْکَ الْمَصِیْرُ» 3.

به تعبیر استاد جوادی آملی: «آیتی که در آنها تعبیر صیروت به معنای متحول گردیدن آمده است، ناظر به حرکت نفسانی و درونی است که آن را صیر می گویند» 4، که این «صیر» ناظر به دو بخش از «شدن» است: شدنی که مربوط به همه هستی از جمله انسان است: «أَلَا إِلَى اللّٰهِ تَصِیْرُ الْأُمُورُ» 5، و بخشی که ناظر به شدن انسان در اثر آگاهی، آزادی، انتخاب و عمل برای دستیابی به هویت وجودی خویش و بازگشت به خویشستن است تا فاصله بین خود و خدا را بردارد و خداگونه شود. بدین روی، صیروت به «إِلَى اللّٰهِ» و «إِلَیْهِ الْمَصِیْرُ» یعنی از عمومیت و تعیین اسمی، به هویت ضمیری می رسد تا مراحل تکاملی و مراتب شدن انسان را ترسیم و تصویر کند. 6. آری، اهل معرفت و محبت می تواند آرام آرام و به تدریج به رفیع الدرجات راه یابد و «حرکت مکانتی» و سیر عمودی اش را در هندسه الهی، شروع کند و به بزم وصال و جنت لقا نایل آید.

قرآن کریم «راه های عملی» وصول به چنین مقام و منزلتی را فراروی انسان صائر الی الله می نهد و همه زمینه ها، شرایط، مقدمات، و عوامل و علل راه یابی اش را به داراللقاء معرفی و فراهم می کند تا حجت بر او تمام گردد و از «عصمت فطری»، او را بهره مند سازد و در سایه سار شجره طیبه هدایت های معرفتی معنویتی انسان کامل معصوم علیهم السلام قرارش دهد. خداوند عقل و وحی را برای شدن و شکفتن استعدادهای او آفرید تا به اراده و اختیار خویش راه صعود یا سقوط، را برگزیند و رحمانی یا شیطانی گردد، که انسان دل آگاه و خردمند، راه فطرت و صعود در پرتو انسان کامل و هدایت های تشریعی را برمی گزیند و راهی کوی دوست و لقای محبوب می شود.

عبودیت گرای

در عرفان قرآنی، «عبودیت» اصالت دارد و سالک هرگز به دنبال کشف و کرامات و خوارق عادات نمی رود؛ چه اینکه امتیازطلبی و برتری جویی او با انانیت تورّم می یابد و زیر لایه های عرفان پنهان است. چنین عرفانی «حجاب اکبر» است که انسان بیدار قرآنی به سوی آن نمی رود و خویش را در ورطه ضلالت و زلت و ذلت آن قرار نمی دهد. «وجه الله»، «رضوان الله»، «لقاءالله»، جهت های اصلی عرفان قرآنی است که آن هم از رهگذر «عبدالله شدن» میسر خواهد بود که به، صبغةالله می رسد و با رنگ و رایحه الهی به سیر و سلوک ادامه می دهد و با عبدشدن دلش را نورانی می سازد و به شهود جمال و جلال الهی می نشیند و خود به تدریج مظهر اسمای مهّر و قهر الهی می گردد. به تعبیر علامه جعفری: «اساسی ترین شرط وصول به مقصد اعلا در سیر و سلوک عرفانی، این است که در هیچ لحظه ای از لحظات این حرکت بزرگ - که به طور یقینی عالی ترین و پرمعناترین حرکت انسانی در عالم هستی است احساس هیچ گونه امتیاز و وصول و برتری ننماید. آفت مهلک حرکت عرفانی همین است و بس» 7، که عرفان وسیله است، نه هدف، و بندگی خدا و رسیدن به مقام عبودیت گوهر عرفان و روح حاکم بر سیرالی الله و گفتمان مسلط بر سلوک تا شهود است. به تعبیر بسیار عمیق ابن سینا: «ومن وجد العرفان کأنّه لایجده بل یجد المعروف به فقد خاض لجة الوصول» 8 عرفان برای عرفان، حجاب و توجه به من و خود است؛ اما اگر در عرفان معروف را ببیند و عرفان و عارف به تدریج رخت ببرند، در دریای وصول غوطه ور و در بحر وصال و وحدت مستغرق می گردد»، و سالک با عبادت کردن خالصانه، به مقام و منزلت «عبد» شدن و سپس موقعیت «عبودیت» که کمال جامع و جامع کمال است، می رسد که عبادت ها گام هایی به سوی تکامل و نیل به مقام

«عبد» و عبودیت خواهند بود و عبادت ها هر چه با پشتوانه معرفت به خدا باشند، لذت های روحانی بندگی و شکوه عبودیت بیشتر و شدیدتر خواهد گشت؛ چه اینکه عبودیت در برابر حق تعالی میوه هایی دارد به شرح زیر:

(الف) علم لدنی و معرفت افاضی: «فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتِيَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا» 9.

(ب) سیر و عروج به سوی عوالم برتر هستی: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ» 10.

(ج) داخل شدن به بهشت خاص خدا: «فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي» 11.

(د) رهایی از وساوس شیطانی و تیرهای سهمگین و مرگبار ابلیسی: «إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ» 12.

(ه) استحقاق مدح الهی پیدا کردن در اثر عبودیت: «إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعَمَ الْعَبْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ» 13.

۰۰۹

عبادت و عبودیت یکی از مهم ترین رسالت های پیامبران بود که برای هدایت انسان به دنبالش بودند:

- «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ» 14.

- «وَقَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ. . .» 15.

- «وَأِلَى عَادَ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ» 16.

- «وَأِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ» 17.

- «وَأِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ» 18.

- «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ. . .» 19.

حال باید دانست که «عبادت» انسان سالک در ابتدا، وسط و انتهای سلوک، معانی و مدارج خاصی دارد که طبق شاکله و شخصیت وجودی او تعیین می گردد؛ زیرا هر چه معرفت به «معبود» بیشتر و از ژرفای خاصی بهره مند باشد، عبادت شیرین تر و لذت بخش تر خواهد بود. «عابد» ابتدا در امر عبادت، باید «صبور» باشد و مشکلات بندگی را تحمل کند. به همین دلیل، در روایت آمده است: «فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ» 20. قرآن کریم نیز نماز را امر بزرگ و سنگین یاد می کند، مگر برای کسانی که از ویژگی «خشوع» برخوردارند: «وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» 21. اما در «اواسط» امر، عبادت هموارتر و لذیذ خواهد شد تا به مراحل انتهایی برسد که درجه معرفت عابد به درجه شهودی می رسد و می فرماید: «جعلت قرة عيني في الصلاة» 22. از این رو هنگام نماز به مؤذن مخصوص خود بلال حبشی می فرمود: «أرْحَنًا يَا بِلَال» 23. پس «عبادت» براساس:

(الف) معرفت عامیانه،

(ب) معرفت عالمانه،

(ج) معرفت عارفانه، شکل می گیرد.

«عبادت» بدین لحاظ که وسیله رسیدن به بهشت و رهیدن از جهنم قرار گیرد یا از رهگذر عشق و شیدایی با معبود محبوب، درجات و مراتبی خواهد داشت. به تعبیر علامه جوادی آملی: «عبادت سه رکن دارد: معبود، عابد و عمل عبادی، و رکن اصیل از این ارکان سه گانه، معبود است. عابد اگر هم خود را دید و هم عبادت و هم معبود را، گرفتار تثلیث است و از توحید ناب که مقام فنای محض است، بهره ای نبرده و اگر عبادت و معبود را دید و خود را ندید، گرفتار ثنویت و دوگرایی است و به مرحله فنا نایل نیامده است، ولی اگر خود و عبادت خود را ندید و تنها معبود را مشاهده کرد، فانی و موحد ناب است» 24.

سیر و سلوک باید عبادت محور باشد و با انگیزه «برای خدا» (لله، لوجه الله، لايتغاء مرصات الله) صورت پذیرد و

انسان از مدار عبادت به «عبد بودن» و سپس «عبودیت» برسد و «توحید عبادی» را درک و تجربه کند که: «ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ» 25. به عبارت دیگر، از توحید خالق، توحید ربوبی و توحید الوهی به «توحید عبودی» راه یابد و «عبودیت محض» و تسلیم صرف خدا و منقاد تام و کامل الهی شدن، او را به عالی ترین درجات کمال نوعی وجودی اش می رساند 26 که ادب عبودیت، ادب عنداللّٰهی و ادب مع اللّٰهی اقتضا می کند که انسان با آزادی جامع و کامل و حرّیت تام و تمام جز در برابر معبود راستین سر تسلیم و بندگی فرود نیابد که چنین عبودیت و بندگی ای فواید زیر را دربردارد:

(الف) انسان «عبد»، انسان آزاده و به حرّیت رسیده است.

(ب) انسان «عبد»، اهل عزّت نفس و کرامت خواهد بود.

(ج) انسان «عبد»، در امنیت روحی و آرامش همه جانبه قرار خواهد داشت.

(د) انسان «عبد»، عدالت خواه و عدالت گستر و ظلم گریز و ظلم ستیز است.

ه) انسان «عبد»، اهل ولایت در درون و برون است که «العبودية جوهرة كنهها الربوبية» 27.

(و) انسان «عبد»، اهل «یقین» و سپس «ثبات و قرار» است: «وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ» 28.

(ز) انسان «عبد»، هدف حیات را یافته و «زندگی معنادار» را درک و تجربه کرده است. پس «عبودیت» به زندگی انسان سالک عابد، «معنای حقیقی» می بخشد و حیات دنیوی را برای او شیرین می سازد و چنین انسانی از معنویت ویژه ای بهره مند است، زیرا انسان با عبودیت از عالم کثرت و جسمانیت به عالم وحدت و روحانیت انتقال می یابد و معرفة الله و انس با خدا برای او حاصل می گردد 29.

(ح) انسان «عبد» به روح عبادت که «یاد خدا» است، می رسد و تجربه حضور در محضر الهی را حس می کند و با آن روح حیات بخش و جان فزا زندگی می کند 30.

پی نوشت ها :

1. سوره آل عمران: 28.
2. سوره بقره: 285.
3. سوره ممتحنه: 4.
4. تفسیرموضوعی قرآن مجید، ج 2، ص 151.
5. سوره شوری: 53.
6. ر. ک: حضور و مراقبه، سید علی طباطبایی (چ 1، 1385 ش، مطبوعات دینی، قم)، ص 46-49.
7. عرفان اسلامی، ص 58.
8. الاشارات و التنبیها، ج 3، تنبیه 4، نمط نهم.
9. سوره کهف: 65.
10. سوره اسراء: 1.
11. سوره فجر: 29 - 30.
12. سوره ص: 83.
13. سوره ص: 44.

14. سوره بقره: 21.
15. سوره مائده: 72.
16. سوره اعراف: 65.
17. سوره اعراف: 73.
18. همان: 85.
19. سوره نحل: 36.
20. نهج البلاغه، ح. 82.
21. سوره بقره: 45.
22. بحارالانوار، ج 79، ص 193.
23. همان، ص 193.
24. تسنیم، ج 1، (چ 2، 1379 ش، مرکز نشر اسراء، قم)، ص 424.
25. سوره انعام: 102.
26. ر. ک: تفسیر موضوعی قرآن مجید، آیت الله جوادی آملی، ج 2 ص 518 - 568، ح 17، ص 174 - 185.
27. مصباح الشریعة، الباب المائة فی حقیقة العبودیة؛ ر. ک: مجموعه آثار شهید مطهری، ج 23، ص 468 - 498.
28. سوره حجر: 99.
29. ر. ک: المراقبات، میرزا جواد ملکی تبریزی، ج 2، ص 202 - 203.
30. برای فهم عبادت، حقیقت عبودیت، درجات عبادت و پرستش و عبادت و زندگی انسان ر. ک: میزان الحکمه، ج 7، ص 3410 - 3423.